

واکاوی مشتقات پیشوندی be- در زبان آلمانی:

بر پایه فرایندهای تعدیل و تعویض

پرویز البرزی*

دانشیار زبانشناسی، گروه زبان آلمانی، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۳، تاریخ تصویب: ۹۷/۱۱/۱۰، تاریخ چاپ: فروردین ۱۳۹۸)

چکیده

هدف از مقاله حاضر یافتن الگوهای مختلف معنای واژه‌سازی در واژه‌های پیشوندی be- در زبان آلمانی می‌باشد. اصولاً پیشوندهای فعلی زبان آلمانی، بویژه فعل‌های پیشوندی-be، از منظر واژه‌سازی و نحو اغلب موضوع تحقیقات زبان‌شناسی بوده‌اند. وانگهی درک معانی مشتقات این پیشوند با توجه به تنوع آن‌ها برای زبان‌آموز از اهمیت خاصی برخوردار است. این پیشوند ریشه در bī زبان آلمانی باستان دارد و یکی از زیاترین پیشوندهای زبان آلمانی معاصر به شمار می‌رود. داده‌ها و یافته‌های اولیه مقاله حاضر عمدتاً از بررسی منابع شاخص در زمینه واژه‌سازی زبان آلمانی اخذ شده و آنچه که نگارنده اقتباس نموده است، همین داده‌ها و یافته‌های اولیه است. یافته‌های ثانویه ماحصل تحقیق نگارنده است. پیشوند be- در بافت مقولات فعلی، اسمی و صفتی و نیز در بافت مقولات ادات و تکواژهای بی‌همتا توزیع می‌شود. همچنین مشتقات پیشوندی be- از بیشترین فراوانی نسبت به سایر مشتقات پیشوندی برخوردارند. در مشتقات فعلی-be، انواع دگرگونی معنای واژه‌سازی کیفی، بُعدی، واژگانی، شدتی و یا مکانی امکان‌پذیر است.

واژه‌های کلیدی: معنای واژه‌سازی، بُعد، شدت، مکان، واژه مشتق.

۱- مقدمه

در زبان آلمانی یکی از الگوهای اشتقاق به‌کمک پیشوند *be-* شکل می‌گیرد که ریشه در *bī* زبان آلمانی باستان دارد. تمامی واژه‌های مشتقی که دارای پیشوند *be-* هستند، نخست در زمره مقوله دستوری فعل محسوب می‌شوند. این پیشوند، همانند سایر پیشوندها، از سویی در مشتقات فعلی تکیه نمی‌پذیرد و از سوی دیگر در زمره زیاترین پیشوندهای زبان آلمانی معاصر به‌شمار می‌رود. از این جهت، ضروری است که این پیشوند در مقاله‌ای به‌صورت مستقل و منسجم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در زبان آلمانی، کاربردهای متنوع پیشوند *be-* به‌دلایل گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چنانچه زبان‌آموزان زبان آلمانی با کاربردهای مختلف این پیشوند آشنا شوند، درک ساختار مشتقات آن نیز بسادگی امکان‌پذیر خواهد بود. اصولاً یکی از اهداف نویسنده از نگارش نوشته حاضر، واکاوی این نکته است که تکواژ یا پیشوند *be-* در کدامین بافت‌های فعلی نمود می‌یابد. افزون بر توزیع *be-*، سعی اصلی نویسنده بر این است تا فعل‌های پیشوندی *be-* را از منظر الگوهای معنای واژه‌سازی مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. در نوشته پیش رو، همگی جوانب و حواشی پیشوند *be-* و اشتقاق‌های ناشی از آن مورد واکاوی قرار می‌گیرند. در این میان، خواننده در هر زمینه با شواهد تازه‌ای آشنا می‌شود و کماکان در هر مرحله از تحقیق با تحلیل زبان‌شناسانه‌ای مواجه می‌شود.

۲- بحث و بررسی

افعالی که وارد زبان آلمانی می‌شوند، بیشتر به‌کمک فرایند اشتقاق ساخته می‌شوند، در حالی که اسم‌های جدید معمولاً به‌کمک فرایند ترکیب ساخته می‌شوند. همچنین در میان مشتقات فعلی، افعال پیشوندی از بالاترین بسامد برخوردارند، زیرا ساخت فعل‌های پسوندی تنها محدود به چهار نوع پسوند *el*-(الف)، *ig*-(ب)، *er*-(ج) و *ier*-(د) می‌باشد. البته پسوند *ier*- خود دارای گونه‌های *isier*-(ه) و *ifizier*-(و) است (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۴۲۸-۴۳۳ و لوده ۲۰۰۶: ۲۷۹-۲۸۶).

<i>lächel</i> (n), <i>streichel</i> (n), <i>bettel</i> (n)	(الف-۱)
<i>reinig</i> (en), <i>schädig</i> (en)	(ب-۱)
<i>folger</i> (n), <i>bereicher</i> (n), <i>erneuer</i> (n)	(ج-۱)
<i>stolzier</i> (en), <i>amtier</i> (en)	(د-۱)

neutralisier(en) (ه-۱)

mumifizier(en) (و-۱)

ممکن است پیشوندها باعث شوند که واژه‌های مشتق دستخوش دگرگونی‌های دستوری و نیز معنایی شوند. در فعل‌ها که پیشوندسازی رایج‌ترین روش برای ساخت فعل‌های جدید است، ممکن است به‌طور کلی دگرگونی‌های زیر پدید آیند (رومر ۲۰۰۶: ۳۲ و ۱۱۵-۱۱۸):

۱- دگرگونی بُعد واژگانی؛

۲- ساخت فعل متعدی؛

۳- ساخت فعل انعکاسی از فعل لازم؛

۴- کاهش ظرفیت (دگرگونی ظرفیت فعل مبنا)؛

۵- افزایش ظرفیت (دگرگونی ظرفیت فعل مبنا)؛

۶- مشارکت در ساخت فعل از مبنای اسمی؛

۷- مشارکت در ساخت فعل از مبنای صفتی؛

و همچنین سایر موارد را به مقتضای بحث توضیح خواهیم داد.

شیوه واژه‌سازی مشتقات پیشوندی از سایر شیوه‌ها متفاوت است، زیرا افزون بر دگرگونی‌های معنایی، دگرگونی‌های نحوی فعل‌های مبنا را نیز به‌همراه دارد. به‌تعبیری دیگر، در مشتقات پیشوندی، ظرفیت فعل مبنا نیز تغییر می‌کند. بنابراین در فعل‌ها با تعدیل معنایی و نحوی یا به‌تعبیری دیگر با دگرگونی ابعاد واژگانی فعل و دگرگونی ظرفیت فعل مواجه‌ایم. تعدیل نحوی، مانند ساخت فعل متعدی، ساخت فعل انعکاسی و الحاق (فلايشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۷۸).

پیشوندهایی همانند **be-**، **ent-**، **er-**، **ver-** و **zer-** به‌اعتبار صوری فاقد شکل‌های هم‌نام (homonym) به‌صورت جزء جداشدنی فعل می‌باشند. برعکس، پیشوندهایی همانند **durch-**، **um-**، **wider-** و **über-** به‌اعتبار صوری به‌صورت جزء جداشدنی فعل و حرف اضافه نیز به‌کار می‌روند (همان‌جا: ۳۸۳ و ۳۹۲).

پیشوندهای فعلی زبان آلمانی از منظر واژه‌سازی و نحو، اغلب موضوع تحقیقات زبان‌شناسی بوده‌اند، بویژه فعل‌های با پیشوند **be-** که از توزیع فراوانی برخوردارند (ارومس ۱۹۸۷: ۱۰۹). با این حال تاکنون هرگونه تحلیل کامل، منسجم و زبانشناسانه از این پیشوند و مشتقات آن مورد بی‌مهری قرار گرفته است. اغلب فعل‌های همراه با پیشوند **be-** متعدی هستند. پیشوند **be-** ریشه در **bī (um ... herum)**: 'دوروبر'؛ 'در حدود' زبان آلمانی باستان

دارد. پیشوند be- برای تعدیل (Modifikation) معنایی و نحوی مبنای فعلی و نیز برای تعویض (Transposition) اسم‌ها، صفت‌ها، ادات و نیز تکواژهای بی‌همتا و تبدیل آن‌ها به فعل‌ها به کار می‌رود. فعل‌های مشتقی که از پیشوند be- ساخته می‌شوند، تقریباً یک چهارم همگی مشتقات پیشوندی را تشکیل می‌دهند. مهمترین الگوهای معنای واژه‌سازی^۱ این مشتقات در تحقیق حاضر مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرند.

۲-۱- فعل مبنای اشتقاق است

در مشتقات پیشوندی be-، در اغلب موارد مبنای اشتقاق فعل‌های ساده است (۲-الف و ۲-ب). بندرت فعل‌های مشتق مختوم به پسوند، مبنای اشتقاق قرار می‌گیرند، برای مثال فعل‌های مختوم به el- در مبنای اشتقاق (۲-ج) که از فعل ساده lachen مشتق می‌شود و ig- در مبنای اشتقاق (۲-د) که از صفت rein مشتق می‌شود.

فعل متعدی/لازم:

فعل متعدی:

kennen	→	bekennen	اعتراف/اقرار کردن به	(۲-الف)
leuchten	→	beleuchten	روشن کردن؛ نشان دادن	(۲-ب)
lächeln	→	belächeln	تبسم کردن	(۲-ج)
reinigen	→	bereinigen	رفع عیب کردن	(۲-د)

وانگهی فعل‌های مختوم به پسوند -ier(en) مبنای اشتقاق قرار نمی‌گیرند. تنها استثنا، واژه bekomplimentieren است (۳-الف) که البته این فعل ظاهراً از اسم مشتق می‌شود (۳-ب)، زیرا فعل مشتق در مشتق که هم پسوند و هم پیشوند پذیرفته باشد، علی‌القاعده برونداد اشتقاق از مبنای اسمی است و به دو صورت ساخته می‌شود (فلاشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۸۳): اشتقاق پیشوندی be-، مانند واژه beglückwünschen در (۳-ج) و اشتقاق حاشیه‌وندی ig- ... be-، مانند واژه beseitigen در (۳-د).

مبنای اشتقاق:

فعل متعدی:

*komplimentieren	→	bekomplimentieren	تعریف کردن	(۳-الف)
Kompliment	→	bekomplimentieren	تمجید کردن	(۳-ب)
Glückwunsch	→	beglückwünsch(en)	تبریک گفتن	(۳-ج)

۱. معنای واژه‌سازی (Wortbildungsbedeutung) نوعی رابطه معنایی است که بین مبنا و واژه مشتق و یا بین سازه‌های بلافصل واژه مرکب حاکم است.

(۳-د) بر طرف کردن beseitig(en) → طرف Seite

پیشوند be- با پیشوندهای -an, -ver, -über کاربرد مشابهی دارد، اما در تضاد با پیشوند ent- رفتار می‌کند (۴-الف در مقابل ۴-ب). پیشوند ent- ریشه در ant-(gegen) آلمانی باستان دارد (لوده ۲۰۰۶: ۲۳۳).

فعل مشتق: فعل مینا:

(۴-الف) هوای تازه دادن belüften → تازه کردن هوای اتاق lüften

(۴-ب) هوای تازه جایگزین کردن entlüften → تهویه کردن هوای اتاق lüften

به‌طور کلی دو نوع دگرگونی ساختاری و معنایی با مبنای فعلی متصور است. البته در بسیاری از فعل‌ها تعدیل ساختاری، تعدیل معنایی را همراهی می‌کند:

۲-۱-۱- تعدیل ساختاری

کارکرد اصلی پیشوند be-، دگرگونی فعل مینا از منظر نحوی است. پیشوند be- به‌اعتبار این ویژگی نحوی، از سایر پیشوندها متفاوت است. این پیشوند نوعی دگرگونی ظرفیت را پدید می‌آورد که برآیند آن، در بیشتر موارد، ساخت فعل متعدی است، با این حال کارکردهای دیگری نیز دارد (همان‌جا: ۲۳۲):

۱- دگرگونی ظرفیت فعل مینا (افزایش یا کاهش ظرفیت مینای اشتقاق)

الف- ساخت فعل متعدی از فعل لازم (افزایش ظرفیت): در (۵-الف تا ۵-د) مینای اشتقاق، فعل لازم و واژه‌سازی مشتق از آن، فعل متعدی است. در این موارد، گاهی مینای اشتقاق فعل لازم تک‌ظرفیتی (۵-ج) و یا فعل لازم دو‌ظرفیتی همراه با متمم حرف اضافه‌ای (۵-د) است. در (۵-الف) و (۵-ب) با فعل لازم تک‌ظرفیتی در مینای اشتقاق مواجه‌ایم که متمم قیودی اختیاری می‌پذیرد.

فعل مشتق متعدی: فعل لازم:

(۵-الف) وارد جایی شدن betreten → قدم برداشتن treten

(۵-ب) رفت‌وآمد کردن befahren → رفتن fahren

(۵-ج) دروغ گفتن به belügen → دروغ گفتن lügen

۱. عنصر gegen با شکل آوایی و نوشتاری یکسان به‌صورت دو نوع واژه متفاوت حرف اضافه، برای مثال در gegen die Strömung، و نیز قید، برای مثال در Es waren gegen 100 Leute anwesend، به‌کار می‌رود.

(۵-د) تبسم کردن به jmdn. belächeln → لبخند زدن به über jmdn. lächeln

ساخت‌های پیچیده‌تر نحوی همانند ترکیب فعل نقش‌نما (Funktionsverbgefüge) را می‌توانیم از این طریق ساده‌سازی کنیم (۶-الف).

فعل مشتق متعدی: ترکیب فعل نقش‌نما:

(۶-الف) etwas in Rechnung stellen → etwas berechnen

محاسبه کردن/سنجیدن چیزی را حسابرسی کردن

گاهی مبنای اشتقاق فعل لازم دو ظرفیتی با مفعول به‌ای (۷-الف و ۷-ب) می‌پذیرد، اما فعل مشتق مفعول رایبی می‌پذیرد. کاربرد پیشوند über- با پیشوند be- مشابه است و از فعل لازم، فعل متعدی می‌سازد (۷-ج)^۱، البته در مواردی که افزایش ظرفیت مبنای اشتقاق اقتضا کند.

فعل مشتق متعدی: فعل لازم:

(۷-الف) jmdm. dienen → jmdn. bedienen

پذیرایی کردن از خدمت کردن

(۷-ب) jmdm. folgen → jmdn. verfolgen/befolgen

کسی را تعقیب کردن/پیروی کردن از بدنبال کسی/چیزی رفتن

(۷-ج) das Pferd springt → das Pferd überspringt den Graben

پریدن از روی چیزی پریدن، بالا پریدن

ب- ساخت فعل لازم از فعل متعدی (کاهش ظرفیت): کاهش ظرفیت اغلب به حذف گروه اسمی و یا گروه حرف اضافه‌ای می‌انجامد (۸-الف). در این خصوص پیشوند be- با پیشوند er- کاربرد مشابهی دارد و از فعل متعدی، فعل لازم می‌سازد (۸-ب).

فعل لازم (ساخت گذشته کامل با hat): فعل متعدی (ساخت گذشته کامل با hat):

(۸-الف) tragen → betragen

فعل لازم (ساخت گذشته کامل با ist): فعل متعدی (ساخت گذشته کامل با hat):

(۸-ب) er trinkt → er ertrinkt

او غرق/خفه شده است او (فنجان قهوه) نوشیده است

۱. در فعل لازم überspringen (سرایت کردن (آتش)) که همراه با فعل کمکی ist، گذشته کامل می‌سازد، عنصر über- جزء جداشدنی فعل محسوب می‌شود.

۲- جهش یا دگرگونی مفعول: در این مورد مبنای اشتقاق مفعول به‌ای و رایبی می‌پذیرد، اما فعل مشتق مفعول رایبی و مفعول حرف اضافه‌ای می‌پذیرد (۹-الف).

فعل متعدی:

فعل مشتق متعدی:

jmdm. Geld schenken → jmdn. mit Geld beschenken (۹-الف)

هدیه کردن به

هدیه دادن به

۳- ساخت فعل انعکاسی: مبنای اشتقاق فعل متعدی است که مفعول رایبی می‌پذیرد، اما برابند اشتقاق فعل انعکاسی است (۱۰-الف). پیشوند **ver-** نیز مانند **be-** از فعل متعدی، فعل انعکاسی می‌سازد (۱۰-ب)، یعنی هر دو پیشوند کاربرد مشابهی دارند.

فعل متعدی:

فعل انعکاسی:

trinken → sich betrinken (۱۰-الف) مست کردن نوشیدن/آشامیدن

fahren → sich verfahren (۱۰-ب) راه را گم کردن رفتن (وسیله نقلیه)

همچنین پیشوند **ver-** از فعل لازم فعل انعکاسی می‌سازد (۱۱):

فعل لازم:

فعل انعکاسی:

laufen → sich verlaufen (۱۱) گم شدن/راه گم کردن دوان‌دوان گذاشتن

(durch die Stadt) (از میان شهر) (in der Stadt) (در شهر)

۴- الحاق مفعول (ساخت فعل متعدی از فعل متعدی): الحاق (Inkorporation) به فعل پیشوندی اطلاق می‌شود که از فعل متعدی مشتق شده باشد و این فعل متعدی، مفعول حرف اضافه‌ای را نیز بپذیرد. در این موارد کارکرد حرف اضافه در فعل پیشوندی تعویض و جابجا می‌شود (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۷۸ و ۳۸۴).^۱ در (۱۲-ج) مبنای اشتقاق، مفعول رایبی و افزوده قیودی می‌پذیرد، اما فعل مشتق، مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول رایبی می‌طلبد.

فعل متعدی:

فعل متعدی:

Sand auf den Wagen laden → den Wagen mit Sand beladen (۱۲-الف)

شن روی ماشین بار زدن

ماشین را با شن بارگیری کردن

Striche an die Tafel malen → die Tafel mit Strichen bemalen (۱۲-ب)

خطوطی را بر تخته رنگ کردن

تخته سیاه را با خطوط رنگ کردن

۱. فعل **laden** به صورت فعل لازم به معنای بارگیری کردن نیز به کار می‌رود.

(۱۲-ج) Bilder auf das Papier drucken → mit Bildern das Papier bedrucken

کاغذ را با تصاویر چاپ کردن تصاویر را روی کاغذ چاپ کردن

مقوله الحاق به‌نوعی دگرگونی ساختاری در قالب ظرفیت فعل اطلاق می‌شود که در آن توزیع روابط معنایی متمم‌ها تغییر می‌کند. این دگرگونی در جهت محوریت مفعول، برای مثال در ساخت فعل متعدی شکل می‌گیرد. متمم حرف اضافه‌ای فعل مبنا در فعل پیشوندی به مفعول رایی تبدیل می‌شود. در خلال آن، کارکرد حرف اضافه در فعل مشتق تغییر می‌کند. بسیاری از واژه‌سازی‌های جدید از این الگو پیروی می‌کنند. حذف حرف اضافه از متمم حرف اضافه‌ای در مبنای اشتقاق و بیان مکان کنش به‌صورت مفعول رایی در اشتقاق، به‌نوعی الگوی جمله می‌انجامد که بسهولت ساخته می‌شود. از این جهت، مشتقات پیشوندی be- در راستای تلاش برای ساده‌سازی ساختارهای نحوی رفتار می‌کنند (همان‌جا: ۳۷۸).

همچنین سایر ساخت‌های الحاقی، همانند فعل‌های متعدی beschreiben 'توصیف کردن' (با معنای واژه‌سازی کیفی) و bepflanzen 'گیاه‌کاری کردن' (با معنای واژه‌سازی آراستگی) حاوی این نکته‌اند که پدیده‌ای را که متمم مفعول رایی فعل مشتق بیان می‌دارد، بکلی متأثر از فعالیت مربوطه است و فعل بدون پیشوند be- فاقد این تفاوت جزئی است. مثلاً فعل مشتق در (۱۲-الف) به‌معنای 'بار کامل زدن' است (همان‌جا: ۳۸۴).

۵- ساخت فعل متعدی از فعل لازم از رهگذر الحاق: به‌تعبیری دیگر، هرگاه مبنای اشتقاق، از فعل لازم تشکیل شده باشد و با گروه حرف اضافه‌ای به‌کار رود و ظرفیت فعل مشتق از آن تغییر کند، الحاق نامیده می‌شود (رومر ۲۰۰۶: ۲۰۴). ساخت فعل پیشوندی bewohnen نوعی الحاق محسوب می‌شود، زیرا wohnen یک متمم قیودی حرف اضافه‌ای، ولی bewohnen یک متمم مفعول رایی می‌پذیرد (۱۳).

فعل متعدی: فعل لازم:

(۱۳) Sie wohnt in einem Reihnhaus → Sie bewohnt ein Reihnhaus

ممکن است مبنای اشتقاق، فعل لازم باشد، در این حالت، بویژه در مواردی که افزایش ظرفیت مبنای اشتقاق اقتضا کند تا مفعول حرف اضافه‌ای (۱۴-الف) و یا افزوده حرف اضافه‌ای (۱۴-ب) را بپذیرد، فعل مشتق از آن‌ها مفعول رایی می‌پذیرد. پیشوند ver- نیز با پیشوند be- کاربرد مشابهی دارد و از فعل لازم، فعل متعدی می‌سازد (۱۴-ج)، البته در مواردی

که افزایش ظرفیت مبنای اشتقاق اقتضا کند. فعل مبنای اشتقاق در (۱۴-ج) یک افزوده حرف اضافه‌ای را می‌پذیرد.

فعل مشتق متعدی:		فعل لازم:
etwas bestaunen (۱۴-الف)	→	über etwas staunen
خیره شدن، مبهوت چیزی شدن		از چیزی تعجب کردن
besteigen den Berg (۱۴-ب)	→	steigen (auf den Berg)
بالا رفتن از کوه		صعود کردن از کوه
etwas verschweigen (۱۴-ج)	→	über etwas schweigen
چیزی را کتمان/پنهان کردن		در باره چیزی سکوت کردن

همین‌طور مبنای اشتقاق در (۱۵-الف) فعل لازم و در (۱۵-ب) فعل متعدی است و افزایش ظرفیت مبنای اشتقاق اقتضا می‌کند که افزوده حرف اضافه‌ای (۱۵-الف) و یا مفعول حرف اضافه‌ای (۱۵-ب) را بپذیرد، اما فعل مشتق از آن‌ها مفعول رایی می‌طلبد.

فعل متعدی:		مبنای فعلی لازم یا متعدی:
bekämpfen (۱۵-الف)	→	kämpfen gegen
مبارزه کردن با حریف		مبارزه کردن با ظلم
beliefern (۱۵-ب)	→	liefern an
ارسال داشتن، تحویل دادن		تحویل دادن به

۲-۱-۲- تعدیل معنایی

افزون بر الگوهای صرفاً نحوی، تعدیل معنایی نیز به‌صورت خفیف در مشتقات فعلی ایجاد می‌شود. منظور از مفهوم تعدیل معنایی، دگرگونی‌های مختلف معنایی مانند دگرگونی معنای واژه‌سازی کیفی، دگرگونی بُعد واژگانی، دگرگونی معنای واژگانی، دگرگونی معنای واژه‌سازی شدت و دگرگونی معنای واژه‌سازی مکانی است.

۱- دگرگونی معنای واژه‌سازی کیفی: در الگوی کیفی (qualitative) یا کیفیتی (modal) که توصیف یا دگرگونی دقیق‌تر را در بردارد، کنش فعل ارزیابی می‌شود. مشتقات پیشوندی **be-** برای الگوی کیفی با معنای 'بستن'، به‌کار می‌روند، مانند فعل‌های متعدی **bedecken** و

begießen (لوده ۲۰۰۶: ۲۳۷ و ۲۵۹). مشتقات پیشوندی -ver- و -über- از منظر الگوی کیفی با مشتقات پیشوندی -be- هم‌معنایند (۱۶-الف تا ۱۶-ج).^۱

فعل مشتق متعدی: فعل مشتق متعدی: فعل مشتق متعدی:

bedecken	verdecken	überdecken	پوشاندن روی (۱۶-الف)
behängen	verhängen	überhängen	آویختن و انداختن روی (۱۶-ب)
begießen	vergießen	übergießen	آب ریختن/پاشیدن روی (۱۶-ج)

دسته‌ای از مشتقات، با معنای کیفی، فعل‌هایی را در برمی‌گیرند که از ورود بجایی جلوگیری می‌کنند، یا ورودی را می‌بندند و بطور کلی آن‌را مسدود می‌کنند، مانند verschließen در (۱۷-ب). با این حال در موردی مانند (۱۷-الف تا ۱۷-ج)، معنای فعل پیشوندی -ver- با معنای فعل همراه با جزء جداشدنی -über- تفاوت دارد و نیز هر کدام از این دو، با معنای فعل پیشوندی -be- متفاوتند، یعنی هر یک از این سه فعل مشتق، معنای خاص خود را تداعی می‌کند.

فعل مشتق: فعل مینا:

schließen	→ beschließen	تصمیم گرفتن (۱۷-الف)
schließen	→ verschließen	محکم بستن، قفل کردن (۱۷-ب)
schließen	→ überschießen	(۱۷-ج)

گنجاندن آخرین واژه در سطر قبلی در صنعت چاپ

همچنین مشتقات پیشوندی -be- با مشتقاتی از فعل‌های همراه با جزء جداشدنی -zu- هم‌معنایند (۱۸-الف) که این خود در تضاد با فعل‌های همراه با جزء جداشدنی -auf- رفتار می‌کند (۱۸-ب).

فعل متعدی: فعل متعدی:

decken	→ zudecken	روی چیزی را پوشاندن (۱۸-الف)
decken	→ aufdecken	روی چیزی را برداشتن (۱۸-ب)

۲- دگرگونی بُعد واژگانی (Aktionsart): کارکرد اصلی پیشوند -be- ساخت فعل متعدی از فعل میناست. این فرایند بدون تفاوت معنایی یا با دگرگونی معنایی جزئی همراه است. با این

۱. در فعل übergießen (پاشیدن مایع بر چیزی؛ به زمین ریختن مایعات) که همراه با فعل کمکی hat، گذشته کامل می‌سازد، عنصر über- جزء جداشدنی فعل محسوب می‌شود.

وجود تفاوت‌های معنایی فعل‌هایی که دستخوش دگرگونی نحوی گشته‌اند، بکلی آشکارند، مانند بُعد غایی (resultativ) در (۱۹-الف) که کنش در مرحله پایانی است و یا بُعد لحظه‌ای (punktuell) در (۱۹-ب) که آغاز کنش به‌طور ناگهانی انجام می‌گیرد.^۱ البته تمامی این نوع دگرگونی‌ها تابع اشغال واژگانی ظرفیت‌های فعلند.

فعل متعدی: فعل لازم:

(۱۹-الف) صعود کردن/بالا رفتن از etwas besteigen → صعود کردن steigen
(۱۹-ب) وارد جایی شدن etwas betreten → قدم گذاشتن treten

در خصوص بُعد غایی پیشوند **be-** با پیشوند **ver-** کاربرد مشابهی دارد که البته فعل مشتق، در این مورد همانند فعل مبنا، فعل لازم است (۲۰).

فعل لازم: فعل لازم:

(۲۰) در اثر خونریزی مردن verbluten → خون آمدن bluten

بُعد واژگانی با سایر مشتقات پیشوندی نیز تغییر می‌کند، مانند دگرگونی بُعد واژگانی در (۲۱-الف)^۲ یا دگرگونی مدرج بُعدی (aktionale Abstufung) در (۲۱-ب و ۲۱-ج). در ساخت‌های (۲۱-الف) و (۲۱-ج) با بُعد غایی و در (۲۱-ب) با بُعد آغازین^۳ مواجه‌ایم.

فعل لازم (ساخت گذشته کامل با ist): فعل لازم (ساخت گذشته کامل با hat):

(۲۱-الف) منجمد شدن gefrieren → سردش بودن/شدن frieren
(۲۱-ب) شکفتن غنچه erblühen (= anfangen zu b.) → شکوفه کردن blühen
(۲۱-ج) پژمردن/پلاسیدن verblühen (= enden zu b.) → شکوفه دادن blühen

۳- دگرگونی معنای واژگانی: گاهی فعل پیشوندی **be-**، بطور کلی معنای متفاوتی نسبت به معنای فعل مبنا را تداعی می‌کند (۲۲-الف تا ۲۲-ج).

۱. در زبان آلمانی، ابعاد آغازین و غایی صرفاً از طریق مشتقات پیشوندی میسر است، در حالی که فرایند تصغیر و تأنیث فقط از رهگذر مشتقات پسوندی امکان‌پذیر است.

۲. ساخت گذشته کامل از فعل frieren عبارت است از: Wir haben gefroren (سردمان شده است). همچنین ساخت گذشته کامل از فعل gefrieren عبارت است از: Der Boden ist gefroren (زمین یخ زده است).

۳. منظور از بُعد آغازین گویای شروع یک کنش فعلی است.

reinigen	→	berreinigen	رفع عیب کردن، از بین بردن	تمیز کردن	→	bergreifen	فهمیدن، متوجه شدن	دستگیر کردن
greifen	→	berufen	منسوب کردن	صدا زدن	→	rufen		

در مواردی اسم مشتق معنای مجرد می‌پذیرد، اما معنای فعل مبنا ملموس است (۲۳): واژه drücken به معنای 'درد آوردن جسمی' است، اما واژه bedrücken معنای 'درد آوردن روحی' را تداعی می‌کند.

drücken	→	bedrücken	افسرده/غصه‌دار کردن	فشار دادن، درد آوردن
---------	---	-----------	---------------------	----------------------

۴- دگرگونی معنای واژه‌سازی شدت (intensiv): افزون بر این‌ها، پیشوند be- گویای شدت است، مانند فعل‌های مشتق در (۲۴-الف تا ۲۴-ج). ظاهراً پیشوند er- در (۲۴-د) نیز چنین تغییری را می‌پذیرد.

lehren	→	belehren	یاد دادن به، راهنمایی کردن	یاد دادن
strafen	→	bestrafen	مجازات کردن	تنبيه کردن
drängen	→	bedrängen	فشار آوردن به	فشار دادن
mahnen	→	ermahnen	هشدار دادن، گوشزد کردن	تذکر/اخطار دادن

این الگو، معنای واژه‌سازی کم‌بسامدتری را شامل می‌شود (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۸۴). این مشتقات اغلب به تعدیل نحوی نمی‌انجامد، زیرا همانند مبنای اشتقاق خود مفعول رایی می‌پذیرند (۲۵-الف و ۲۵-ب). البته ممکن است مبنای اشتقاق و فعل مشتق به صورت انعکاسی نیز به کار روند (۲۵-ج و ۲۵-د).

jmdn. fragen	→	jmdn. befragen	کسب اطلاع کردن	پرس و جو کردن
grüßen	→	begrüßen	خوشامد گفتن	سلام کردن به
sich kleiden	→	(sich) bekleiden	لباس پوشیدن	لباس پوشیدن
sich mühen	→	sich bemühen	تلاش کردن	زحمت کشیدن

فعل انعکاسی: مبنای اسمی:
 (۳۰-الف) به خود جرأت دادن sich ermannen → مرد/شوهر Mann
 فعل‌هایی که دارای پیشوند be- هستند و از اسم مشتق می‌شوند، در اصل از سه الگوی معنای واژه‌سازی بهره می‌گیرند و براینده این‌گونه مشتقات، فعل متعدی یا انعکاسی است (فلايشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۸۵):

۲-۲-۱- معنای واژه‌سازی فعل مشتق نوع کنشی از اسم مبناست: این‌گونه فعل‌های مشتق، مانند مبنای اسمی خود رفتار می‌کنند و بیان‌کننده کنش‌گر (agentiv) یا بانی کنش (originator) هستند (۳۱-الف تا ۳۱-د). این الگو از اسامی اشخاص مشتق می‌شود.

فعل انعکاسی/متعدی: مبنای اسمی:
 (۳۱-الف) دوست شدن با کسی sich befreunden mit → دوست Freund
 (۳۱-ب) دشمن شدن با کسی befeinden → دشمن Feind
 (۳۱-ج) مادری/مراقبت کردن bemuttern → مادر Mutter
 (۳۱-د) پذیرایی/میزبانی کردن bewirten → میزبان Wirt

۲-۲-۲- معنای واژه‌سازی فعل مشتق آراسته و مزین به معنای اسم مبناست: یکی از ابعاد واژگانی ویژگی آراستگی (ornativ) است. از منظر معنایی، در این بُعد مفعول رایی به پدیده‌ای مجهز می‌شود که اسم در ستاک فعل است (۳۲-الف تا ۳۲-ه). این الگو از اسامی ذات مشتق می‌شود.

فعل متعدی: مبنای اسمی:
 (۳۲-الف) با سنگ‌ریزه فرش کردن beschottern → خرده‌سنگ، شن Schotter
 (۳۲-ب) مزد دادن besolden → مزد Sold
 (۳۲-ج) آبیاری کردن bewässern → آب Wasser
 (۳۲-د) سکنی/سرپناه دادن behausen → خانه Haus
 (۳۲-ه) محصور/محدود کردن begrenzen → مرز، سرحد Grenze

۲-۲-۳- معنای واژه‌سازی فعل مشتق افزودگی (zufügend) است: در این موارد معنای مبنای اسمی به فعل مشتق اضافه می‌شود (۳۳-الف تا ۳۳-ه). این الگو از اسم‌های مجرد مشتق می‌شود.

مبنای اسمی:	فعل متعدی:		
Auftrag	→ beauftragen	مأموریت دادن	(۳۳-الف)
Note	→ benoten	نمره دادن	(۳۳-ب)
Vorzug	→ bevorzugen	ترجیح دادن	(۳۳-ج)
Zauber	→ bezaubern	شیفته/جادو کردن	(۳۳-د)
Antrag	→ beantragen	پیشنهاد دادن	(۳۳-ه)

گاهی نیز از شفافیت دوگانه برخوردار است: اسم مبنای اشتقاق است (۳۴-الف) یا فعل مبنای اشتقاق است (۳۴-ب).

اسم:	فعل متعدی:		
Neid	حسد		(۳۴-الف)
فعل متعدی:	→ beneiden	حسد بردن	
neiden	حسد بردن		(۳۴-ب)

۲-۴- در (۳۵-الف) و یا (۳۵-ب) عنصر **-er** یا **-ig** ... **be-** به مثابه حاشیه‌وند تلقی می‌گردد. حاشیه‌وند **-er** ... **be-** در فعل مشتق (۳۵-الف) نقش آراستگی، ولی حاشیه‌وند **-ig** ... **be-** در فعل مشتق (۳۵-ب) نقش افزودگی دارد.

مبنای اسمی:	فعل متعدی:		
Bild	→ bebildern	مصور کردن	(۳۵-الف)
Absicht	→ beabsichtigen	قصد/منظور داشتن	(۳۵-ب)

ممکن است حاشیه‌وند **-ig** ... **be-** در این نوع از مشتقات نقش مکانی داشته باشد (۳۶).

مبنای اسمی:	فعل متعدی:		
Erde	→ beerdigen	دفن کردن	(۳۶)

حاشیه‌وند **-t** ... **be-** در مشتقات (۳۷-الف و ۳۷-ب) نقش آراستگی دارد و از اسم، صفت مفعولی کاذب می‌سازد.

مبنای اسمی:	صفت مفعولی:		
Nachbar	→ benachbart	مجاور	(۳۷-الف)
Brille	→ bebrillt	عینکی	(۳۷-ب)

۲-۳- صفت مبنای اشتقاق است

پیشوند be- در ساخت فعل از مبنای صفتی مشارکت دارد: در این موارد مبنای اشتقاق صفت و برابند مشتق از آن فعل متعدی و یا فعل انعکاسی است. فعل‌هایی که دارای پیشوند be- هستند و از صفت مشتق می‌شوند، از دو الگوی معنای واژه‌سازی یا از دو بُعد واژگانی بهره می‌گیرند و برابند این گونه از اشتقاق فعل متعدی یا انعکاسی است (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۳۸۵):

۲-۳-۱- معنای واژه‌سازی آغازین (ingressiv)^۱ است (۳۸-الف تا ۳۸-ج)

فعل متعدی/انعکاسی:		
mächtig	→ مقتدر	sich bemächtigen شدن / چیره شدن (۳۸-الف)
fleißig	→ زرتنگ	sich befleißigen کوشش/اهتمام ورزیدن (۳۸-ب)
teuer	→ گران	betuern اطمینان دادن، تأکید کردن (۳۸-ج)

در (۳۹) فرضیه‌ای دیگر برای فعل مشتق متصور است: ممکن است عنصر -er ... -be، به مثابه حاشیه‌وند تلقی گردد. در (۳۹) احتمالاً مبنای اشتقاق فعل reichen به معنای کفایت کردن^۱ نیست.

فعل متعدی/انعکاسی:		
reich	→ غنی	(sich) bereichern غنا بخشیدن، افزایش دادن (۳۹)

۲-۳-۲- معنای واژه‌سازی سببی (kausativ) که گویای علت و سبب کنش است: در این الگو نوعی رابطه معنایی به کسی محول شده یا نسبت داده می‌شود و یا به کسی منتسب می‌شود (۴۰-الف تا ۴۰-ه).

فعل متعدی:		
fähig	→ توانا	befähigen توانایی را به کسی دادن (۴۰-الف)
günstig	→ مناسب	begünstigen مساعدت کردن؛ ارجحیت دادن (۴۰-ب)
ruhig	→ آرام	beruhigen آرام کردن (۴۰-ج)
schuldig	→ مقصر	beschuldigen سرزنش کردن (۴۰-د)
frei	→ آزاد	befreien خلاص/آزاد/رها کردن (۴۰-ه)

۱. منظور از بُعد آغازین، شروع یک کنش است.

گاهی با نوعی واژه‌سازی مواجه می‌شویم که هیچ مشخص نیست که از صفت یا فعل مشتق شده باشد. همچنین این نوع گویای معنای سببی نیست (۴۱-الف و ۴۱-ب).

	فعل متعدی:	مبنای صفتی/فعلی:
(۴۱-الف) تأکید کردن	→ bekräftigen قوی	kräftig/kräftigen
(۴۱-ب) نیاز داشتن	→ benötigen لازم	nötig/nötigen

۴-۲- ادات مبنای اشتقاق است

در این گروه ادات یا قیده‌های نفی و اثبات مبنای اشتقاق قرار می‌گیرند. براینند این گونه مشتقات، فعل متعدی است (۴۲-الف و ۴۲-ب).

	فعل متعدی:	ادات:
(۴۲-الف) پذیرفتن، تأیید کردن، بله گفتن	→ bejahen بله	ja
(۴۲-ب) انکار کردن	→ beneinen نه	nein

۵-۲- تکواژ بی‌همتا مبنای اشتقاق است

در تحلیل همزمانی، گاهی با سازه‌های زبانی غیرشفاف یا تکواژهای بی‌همتا (unikale Morpheme) در مبنای فعل‌های متعدی، مواجه می‌شویم (۴۳-الف تا ۴۳-ج).

	فعل متعدی:	تکواژ بی‌همتا:
(۴۳-الف) شروع/آغاز کردن	→ beginnen	ginn(en)
(۴۳-ب) طالب چیزی بودن	→ begehren	gehr(en)
(۴۳-ج) باعث/موجب چیزی شدن	→ bedingen	ding(en)

۳- نتیجه

به‌طور کلی براینند واژه‌سازی مشتقات پیشوندی، متفاوت از سایر مشتقات است، زیرا افزون بر دگرگونی‌های معنایی، دگرگونی‌های نحوی مبنای اشتقاق را نیز به‌همراه دارد. همچنین افعال جدید بطور معمول به‌کمک فرایند اشتقاق ساخته می‌شوند و در میان مشتقات فعلی، افعال پیشوندی از بالاترین بسامد برخوردارند. در بین فعل‌های مشتقی که از پیشوند **be-** ساخته می‌شوند، حدود یک چهارم همگی مشتقات پیشوندی را تشکیل می‌دهند. مهمترین کارکرد پیشوند **be-** در مشتقات زبان آلمانی این است که فعل مبنای آن را به‌لحاظ نحوی تغییر می‌دهد. از

این جهت، این پیشوند با سایر پیشوندها متفاوت است. این پیشوند نوعی دگرگونی ظرفیت ایجاد می‌کند که برآیند آن در اغلب موارد فعل متعدی است. پیشوند be- برای تعدیل و نیز تعویض به کار می‌رود:

۱- پیشوند be- برای تعدیل معنایی (reinigen → bereinigen) و نحوی (treten → betreten) در مبنای فعلی به کار می‌رود.

۲- پیشوند be- برای تعویض اسم (Grenze → begrenzen)، صفت (frei → befreien)، ادات (nein → beneinen) و نیز تکواژ بی‌همتا (gehr → begehren) و تبدیل آن‌ها به فعل به کار می‌رود.

از این رو، افزون بر الگوهای صرفاً نحوی، تعدیل معنایی و تعویض نیز در مشتقات فعلی پدید می‌آید که شامل دگرگونی‌های مختلف معنایی، مانند دگرگونی معنای واژه‌سازی کیفی، بُعدی، معنای واژگانی، شدت و مکان است. حال زبان‌آموزی که مفاهیم تعویض و تعدیل را بشناسد و در نتیجه با دگرگونی‌های گوناگون معنای واژه‌سازی مشتقات پیشوندی be- آشنا گردد، ساختار این نوع از مشتقات را نیز بسادگی درک خواهد کرد.

در این راستا، اشتقاق فعلی از رهگذر فعل بر اشتقاق فعلی از رهگذر اسم و صفت از بسامد بالاتری برخوردار است. برعکس، اشتقاق فعلی از رهگذر ادات و تکواژ بی‌همتا از کم‌بسامدترین مشتقات پیشوندی be- محسوب می‌شود.

۴- منابع

- Coseriu, Eugenio (1970). *Einführung in die strukturelle Betrachtung des Wortschatzes*, Tübingen.
- Donalies, Elke (2002). *Die Wortbildung des Deutschen: Ein Überblick*, Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Donalies, Elke (2007). *Basiswissen Deutsche Wortbildung*, Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag.
- Elsen, Hilke (2011). *Grundzüge der Morphologie des Deutschen*, Berlin/Boston: Walter de Gruyter.
- Eroms, Hans-Werner (1987). "Was man nicht bespricht, bedenkt man nicht recht". *Bemerkungen zu den verbalen Präfixen in der Wortbildung*. In: *Neuere Forschungen zur Wortbildung und Historiographie der Linguistik*. Tübingen: Narr, 109-122.
- Fleischer, Wolfgang & Irmhild Barz (2012). *Wortbildung der deutschen Gegenwartssprache*, 4. Auflage, Tübingen: Niemeyer/De Gruyter.

Heringer, Hans Jürgen (2009). *Morphologie*, Paderborn: Wilhelm Fink.

Kluge, Friedrich (1999). *Etymologisches Wörterbuch der deutschen Sprache*, Berlin & New York: de Gruyter.

Lohde, Michael (2006). *Wortbildung des modernen Deutschen: Ein Lehr- und Übungsbuch*, Tübingen: Gunter Narr Verlag.

Römer, Christine (2006). *Morphologie der deutschen Sprache*, Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag.

Sivč3á ková, Petra (2016). *Die deutschen ornativen Verben aus kontrastiver, deutsch-tschechischer Sicht. Eine Korpusanalyse*, Praha: Univerzita Karlova v Praze.